گفت‌وگو

مهسا گربندی

پیامدهای امنیتی تنش منطقه‌ای بر هوش مصنوعی در گفت‌وگوی «جوان» با دکتر محمدرضا قاسمی

جنگ به قلب اقتصاد دیجیتال رسید!

صدها میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی، دیتاسنترهایی که ستون فقرات اقتصاد دیجیتال و رؤیای تبدیل خلیج فارس به قطب فناوری جهان شدند، این رؤیایی است که حالا در سایه تنش‌های نظامی منطقه، با چالش امنیت زیرساخت‌های حیاتی روبه‌رو شده است. در شرایطی که اقتصاد کشورهای حاشیه خلیج فارس بیش از گذشته به خدمات ابری، مراکز داده و فناوری‌های پیشرفته گره خورده، احتمال گسترش دامنه پاسخ نظامی ایران به زیرساخت‌های فناوری شرکت‌های امریکایی در منطقه، ابعاد تازه‌ای از پیوند میان جنگ، بازدارندگی و امنیت اقتصادی را پیش روی این کشورها قرار داده است؛ پیوندی که البته می‌تواند فراتر از میدان نبرد، بر آینده سرمایه‌گذاری‌های کلان دیجیتال و چشم‌انداز توسعه فناوری در منطقه سایه بیندازد. به همین منظور «جوان» درباره تأثیر جنگ بر وضعیت منطقه‌ای هوش مصنوعی با دکتر محمدرضا قاسمی، مشاور فراکسیون هوش مصنوعی مجلس شورای اسلامی، گفت‌وگو کرده‌است.

پاسخ ایران در جنگ احتمالی آتی می‌تواند دامنه اهدافی شامل دیتاسنترها و شرکت‌های هوش مصنوعی منطقه را شامل شود، حال به نظر شما این پاسخ چقدر می‌تواند بازدارندگی ایجاد کند؟

اول باید توجه کنیم این جنگ اخیری که امریکا و رژیم اشغالگر رسماً علیه کشور عزیزمان آغاز کردند، یک نبرد «وجودی» است. این مطلب را سران خود این کشورها علنی و آشکار مطرح کرده‌اند؛ یعنی هدف آنها نابودی کشور و نابودی تمام زیرساخت‌های آن است. بنابراین دفاع مشروع ایران قطعاً می‌تواند و مجاز است و چه بسا از منظر نظامی ضرورت دارد تا شامل زیرساخت‌های دشمن و کشورهای هم‌دست او در این حملات شود. این مطلب اولی که نباید از نظر دور بماند.

اما درباره حمله مشروع به دیتاسنترهای منطقه، این فقط یک احتمال نیست و در برخی حملات اخیر اتفاق افتاده است. بر اساس گزارش‌های رسمی، دو مرکز داده شرکت آمازون (AWS) در امارات مستقیماً هدف قرار گرفته و یک دیتاسنتر دیگر در بحرین آسیب دیده است. از کار افتادن موقتی اپلیکیشن‌های بانکی در سرتاسر این کشورها یکی از آثار این آسیب‌ها بوده‌است. همچنین پس از گذشت هفت ماه از این حملات، هنوز حدود ۹۶ درصد سرویس‌های رایانشی این مراکز کار نمی‌کند و بخشی از داده‌های کاربران برای همیشه از بین رفته‌است. اینها خبرها و گزارش‌هایی است که خود این کشورها منتشر و اعتراف هم کرده‌اند از این تجهیزات ابری استفاده‌های نظامی می‌شده‌است.

از منظر بازدارندگی، دو اتفاق در حال روی دادن است. اول همین آسیب اقتصادی با هدف قرار دادن دارایی‌های شرکت‌های فناوری امریکایی و شرکای منطقه‌ای آن‌ها. این آسیب‌ها محاسبات امریکا را تغییر داده و آنها را نسبت به تشدید حملات و افزایش تنش در منطقه حساس‌تر خواهد کرد، اما یک نوع بازدارندگی دیگر نیز اتفاق افتاده است. این‌که شرکت‌های بزرگ و سرمایه‌گذاران دچار تردید می‌شوند، برای این‌که سرمایه‌های خود را به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس بیاورند. هدف قرار گرفتن دیتاسنترها و مراکز داده، سیگنالی روشن به بازارهای مالی و شرکت‌های فناوری ارسال می‌کند که منطقه دیگر محیطی امن برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حیاتی نیست. این تردید می‌تواند پروژه‌های چند صد میلیارد دلاری هوش مصنوعی را به خطر بیندازد.

این خطری که بدان اشاره و در دو سطح مشخص کردید، چقدر می‌تواند به این کشورها آسیب اقتصادی وارد کند، در واقع کشورهای منطقه تا چه میزان به هوش مصنوعی و دیتاسنترها وابسته هستند؟

کشورهای عربی خلیج فارس بیش از ۲۵۰ میلیارد دلار طی دو دهه گذشته در هوش مصنوعی، دیتاسنترهای پیشرفته و اکوسیستم‌های دیجیتال سرمایه‌گذاری کرده‌اند و برنامه‌هایی دارند برای استقرار ۸ تا ۱۰ گیگاوات ظرفیت محاسباتی هوش مصنوعی. به‌عنوان بخشی از استراتژی بلندمدت‌شان در جهت تنوع اقتصادی و کاهش وابستگی به فروش نفت. بنابراین از نظر اقتصادی به‌شدت به هوش مصنوعی وابسته شده‌اند. از سوی دیگر، بانکداری آنلاین و پلتفرم‌های حمل‌ونقل و تجارت الکترونیک نیز بر دیتاسنترهای محلی متکی هستند.

اما از همه مهم‌تر وابستگی خارجی این کشورهاست. یعنی از منظر اقتصادی این کشورها تابع امپراتوری‌های بزرگ شرکت‌های چندملیتی در دنیا هستند.

شرکت‌هایی که تمام واردات این‌ها را در دست دارند. در همه مصارف خود وابسته هستند. آن شرکت‌های بزرگ هم در یک تقسیم کار جهانی، این کشورها را مقصد زیرساخت‌های تجارت دیجیتال و صنعت هوش مصنوعی در نظر گرفته و برای آن سرمایه‌گذاری‌های کلان و غیرمتعارف کرده‌اند. مؤسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی (IISS) گزارش داده کشورهای خلیج فارس در حال ساختن جاه‌طلبانه‌ترین زیرساخت هوش مصنوعی خارج از امریکا هستند.

با توجه به این حساسیت‌ها و وابستگی‌ها، آیا می‌توان گفت که حمله به این دیتاسنترها و شرکت‌های هوش مصنوعی، به منزله قطع اینترنت و مختل شدن امور روزمره در کشورهای منطقه است؟

امروز تقریباً تمامی خدماتی که بر بستر اینترنت عرضه می‌شود به‌صورت ابری است. این یعنی صدها سرور همزمان یک خدمت مشخص را عرضه می‌کنند. سرورهایی که در نقاط مختلف مستقر شده‌اند و همواره نزدیک‌ترین به کاربر و خلوت‌ترین آنها مورد ارجاع خودکار قرار می‌گیرد. با توجه به این نکته می‌توان پیش‌بینی کرد که حمله محدود به چند دیتاسنتر تأثیر عمده‌ای بر کاربری نخواهد گذاشت، مگر تا حدودی کندتر شدن دسترسی به داده‌ها و خدمات. در شدیدترین حالت زمان کوتاهی این سرویس‌ها از دسترس خارج می‌شوند و فوری قابل جایگزینی هستند. اینترنت به‌دلیل ماهیت توزیع‌شده و مسیرهای جایگزین، به‌طور کامل قطع نمی‌شود و شرکت‌های ابری در مناطق مختلف دیتاسنتر دارند و می‌توانند کاربری را به مراکز دیگر منتقل کنند.

اما اگر دایره و وسعت درگیری و حمله را وسیع‌تر در نظر بگیریم، قطعاً می‌توان حدس زد که حمله هماهنگ به دیتاسنترها و فیبرهای نوری که در عمق خلیج فارس کشیده شده‌اند سناریوی بسیار خطرناک‌تری است. این دیگر می‌تواند قطع گسترده اینترنت بین‌المللی و اختلال عمیق در امور روزمره را به همراه داشته باشد؛ از تراکنش‌های مالی و تجارت الکترونیک تا خدمات دولتی و همچنین ارتباطات.

به‌طور مشخص کشور امارات چه قابلیت‌هایی از قبیل دیتاسنترها و زیرساخت‌های هوش مصنوعی برای پاسخ نظامی ایران دارد؟

اطلاعات آشکاری که به‌راحتی می‌توان در بستر فضای مجازی به آن دسترسی داشت نشان می‌دهد پروژه‌های بزرگی در امارات به انجام رسیده‌است؛ در عرصه زیرساخت ابری و تجارت الکترونیک و همچنین هوش مصنوعی. آمازون رسماً اعلام کرده که شش مرکز داده و دیتاسنتر در بحرین و امارات دارد. یکی از این مراکز در حومه ابوظبی و مستقیماً روبه‌روی سواحل ایران قرار دارد که هم خدمات ابری تجاری ارائه می‌دهد و هم زیرساخت پشتیبان برای عملیات نظامی امریکاست. مدل هوش مصنوعی Claude شرکت Anthropic در همین زیرساخت AWS این مرکز اجرا می‌شود و کار آن ارزیابی‌های اطلاعاتی و شناسایی اهداف در عملیات نظامی است. پروژه Stargate UAE هم بزرگ‌ترین پارک داده هوش مصنوعی جهان در امارات است، با ظرفیت ۵ گیگاوات در نزدیکی پایگاه هوایی الظفره که البته همچنان در حال توسعه است و تکمیل نشده.

یک شرکت هوش مصنوعی اماراتی هم وجود دارد با عنوان G۴۲ که خاندان بن زاید مالک آن هستند. این شرکت شریک اصلی در پروژه Stargate است و با شرکت‌های بزرگی چون Microsoft، OpenAI، Oracle و Nvidia همکاری دارد.

این‌ها البته اطلاعاتی است که به‌صورت عمومی منتشر شده، چه بسا مراکز بیشتری هم وجود دارد که جنبه نظامی و امنیتی داشته و محرمانه باشد. در مجموع امارات با ترکیبی از دیتاسنترهای تجاری امریکایی، پروژه‌های عظیم هوش مصنوعی، شرکت‌های فناوری پیشرو و همکاری‌های نظامی و اطلاعاتی با امریکا یکی از آسیب‌پذیرترین کشورهای منطقه در برابر پاسخ نظامی ایران است.

گزارش

زهرا چیذری

ماجرای سوپروایزر باسابقه‌ای که پرستار نبود!

آن‌طور که رئیس سازمان نظام پرستاری می‌گوید پرستارنماها حتی در بیمارستان‌های شبه‌دولتی و خصوصی هم راه یافته و سلامت مردم را تهدید می‌کنند اما این سازمان ابزار مقابله با آنها را ندارد!

تصور کنید سوپروایزر بیمارستان که اتفاقاً از نیروهای خوب هم بوده و سال‌ها در این کسوت مشغول خدمت‌رسانی به بیماران بوده است، با یک استعلام ساده رئیس بیمارستان از سایت سازمان نظام پرستاری معلوم می‌شود فرد مورد نظر کوچک‌ترین مدرکی در حوزه پرستاری ندارد و با مدرک جعلی وارد بیمارستان شده‌است! این ماجرایی است که رئیس سازمان نظام پرستاری وقتی می‌خواست درباره خطرات پرستارنماها برای نظام سلامت و بیماران صحبت کند، آن را روایت کرد. اینکه چنین فردی چه اشتباهاتی را در طول سال‌های خدمت خود مرتکب شده و چه آسیب‌هایی به بیماران وارد کرده معلوم نیست، اما آنچه واضح و مبرهن است خلأ قانونی و فقدان نظارت مناسب بر عملکرد کادر درمان حتی در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی است که یک روز تکنسین‌های اتاق عمل را تیغ به دست بر بالین بیمار می‌نشاند و روز دیگر یک فرد عادی را سال‌ها در لباس سوپروایزری بیمارستانی شبه‌دولتی، و قطعاً بیماران قربانی این بی‌نظارتی هستند.

میلاد مبارک حضرت زینب (س) و روز پرستار بهانه‌ای برای حضور احمد نجاتیان، رئیس کل سازمان نظام پرستاری، در میان خبرنگاران و صحبت درباره چالش‌ها و مطالبات این قشر سفیدپوش نظام سلامت بود.

آمادگی برای تمام سناریوها

رئیس کل سازمان نظام پرستاری در نشست خبری روز پرستار با اشاره به شرایط تورمی کشور گفت: «تقریباً تمام اقشار حقوق‌بگیر جامعه از جمله کادر سلامت تحت فشار شدید اقتصادی قرار دارند.» وی با بیان اینکه نظام سلامت در دو جنگ گذشته به‌طور کلی عملکرد درخشانی داشت، تصریح کرد: «پرستاران طی جنگ‌های گذشته در خط مقدم حضور داشته‌اند؛ به نحوی که شاهد حضور مستقیم پرستاران در شرایط جنگی بودیم. ۵۰۰ پرستار شهید در دوران دفاع مقدس، حدود ۲۰ تا ۳۰ هزار رزمنده دفاع مقدس و شهادت ۲۴ پرستار در دو جنگ اخیر، مهر تأییدی بر حضور پرستاران در خط مقدم است.» نجاتیان با بیان اینکه باید برای تمام سناریوها آماده شویم، گفت: «کشور در شرایط جنگی قرار دارد و باید برای تمام سناریوهای ممکن آماده باشیم. دشمن نشان داده‌است که هیچ حد و مرزی ندارد؛ از هدف قرار دادن مدرسه و ورزشگاه گرفته تا مناطق مسکونی و استفاده از انواع و اقسام سلاح‌ها در کارنامه خود دارد. بنابراین، امروز باید خودمان را آماده کنیم.»

چالش پرستارنماها

رئیس کل سازمان نظام پرستاری با بیان اینکه نظارت بر خدمات پرستاری در بخش خصوصی و در سطح جامعه همچنان با مشکلات جدی مواجه است، گفت: «امروزه، پدیده‌ای که با عنوان پرستارنما یاد می‌کنیم، به‌شدت خود را نشان می‌دهد. نهادهای مختلف از ما خواسته‌اند در این زمینه مداخله کنیم، اما ابزار قانونی لازم را در اختیار نداریم. هرچند قانون این وظیفه را بر عهده سازمان گذاشته است، ابزار مناسب برای نظارت در اختیار ما نیست. نظارت بر این حوزه بر عهده وزارت بهداشت است و این وزارتخانه مسئولیت آن را بر عهده دارد، اما سازمان نظام پرستاری درخواست کرده در صورتی که این اختیار به سازمان نظام پرستاری واگذار شود، آماده‌ایم به حاکمیت در نظارت بر خدمات پرستاری در بخش خصوصی و مراقبت در منزل کمک کنیم.» وی در پاسخ به سؤال «جوان» در خصوص اقدامات سازمان نظام پرستاری برای برخورد با پرستارنماها این گونه توضیح داد: «امکان استعلام پرستار را در سایت سازمان فراهم کرده‌ایم. اگر فردی به بیمارستان یا منزلی مراجعه کند و بگوید پرستار است، می‌توان از طریق سایت سازمان به‌راحتی وضعیت او را جست‌وجو و بررسی کرد. مراکز مراقبت در منزل نیز اعلام شده‌اند.»

نجاتیان درباره نتایج راه‌اندازی سامانه استعلام پرستاران توضیح داد: «پس از فعال شدن این سامانه، یکی از بیمارستان‌های شبه‌دولتی تهران به ما اعلام کرد که یکی از سوپروایزرهای آن اساساً مدرک تحصیلی پرستاری ندارد. در بررسی‌های انجام‌شده موارد دیگری نیز شناسایی شد.»

وی ادامه داد: «وضعیت در حوزه مراقبت در منزل نگران‌کننده‌تر است، زیرا اساساً نمی‌دانیم چه درصدی از افرادی که در این حوزه فعالیت می‌کنند، پرستار واقعی و دارای صلاحیت حرفه‌ای هستند.»

به گفته رئیس سازمان نظام پرستاری، در پیشنهاد اصلاح قانون این سازمان تلاش شده نقش نظارتی آن تقویت شود تا امکان برخورد مؤثرتر با فعالیت افراد فاقد صلاحیت فراهم شود. همچنین در تعامل با سازمان تعزیرات و دادستانی تلاش شده تا به عنوان دفاع از حقوق عامه، سازمان نظام پرستاری بتواند برای برخورد با پرستارنماها اقداماتی را انجام دهد.

فقدان شفافیت در توزیع منابع نظام سلامت

رئیس کل سازمان نظام پرستاری درباره اهمیت شفافیت در تخصیص منابع نظام سلامت گفت: «حسابرسی اجتماعی، مسئله بسیار مهمی است؛ مفهومی که می‌گوید مردم عادی جامعه نیز باید با نحوه توزیع منابع نظام سلامت آشنا باشند. بر این باور هستم، اهمیت این موضوع در شرایط جنگی بیشتر می‌شود، چراکه مردم باید بدانند در نظام سلامت چه میزان منابع وجود دارد، چه کسانی تأمین‌کننده این منابع هستند و این منابع در کجا هزینه می‌شوند.»

از نگاه وی باید مشخص باشد چند درصد از هزینه‌های نظام سلامت در حوزه دارو و چه میزانی در حوزه تجهیزات پزشکی، تعرفه‌ها و خدمات بستری هزینه می‌شود.

رئیس کل سازمان نظام پرستاری با بیان اینکه انتقادهایی به تعرفه‌های پرستاری در سال جاری وارد شد، گفت: «یکی از انتقادها، چگونگی توزیع درآمدها در قالب تعرفه‌های پزشکی و پرستاری است. سازمان نظام پرستاری به‌شدت معتقد است تعرفه‌هایی که تحت عنوان پرستاری توزیع می‌شود، در مقایسه با عملکرد و تلاش پرستاران بسیار اندک است.»

بنا به تأکید وی خواسته نظام پرستاری این است که شفافیت در توزیع منابع نظام سلامت وجود داشته باشد و نسبت معقولی از هزینه‌های نظام سلامت به بخش‌های مختلف اختصاص یابد. امیدواریم عدالت در توزیع منابع محقق شود.

تفاوت دریافتی گروه‌های مختلف مبنا ندارد

رئیس کل سازمان نظام پرستاری با اشاره به اظهاراتی درباره مدت زمان تحصیل و مسئولیت پزشکان و مقایسه با پرستاران گفت: «بله، این واقعیتی است، اما دنیا این موضوع را فرمول‌بندی کرده‌است. تفاوت دریافتی گروه‌های مختلف باید مبنایی داشته باشد.»

وی درباره افزایش تعرفه‌های پرستاری در سال جاری این گونه توضیح داد: «حدود ۶۷ درصد افزایش در میزان تعرفه داشتیم، اما مبلغ نهایی چندان قابل توجه نیست. هنگامی که مبلغ ۶ یا ۷میلیون تومان به ۱۰ میلیون تومان تبدیل می‌شود، افزایش آن رقم قابل‌توجهی نیست. شاید از نظر درصدی بگوییم افزایش ۶۷ درصدی داشته‌ایم، اما وقتی مبلغ پایه پایین است، این افزایش چندان خودش را نشان نمی‌دهد.»

بنا به تأکید نجاتیان در حال حاضر، مهم‌ترین مشکلات پرستاران در حوزه تعرفه‌های پرستاری، پایین بودن مبلغ و دیگری نبود شفافیت در توزیع است. با وجود تلاش‌های فراوان همکاران ما، این فرمول همچنان شفافیت کامل ندارد.

انتشار منشور حقوق پرستاران

نجاتیان تأکید کرد: «یکی از مسائل مهم حوزه سلامت، پوشش بیمه‌ای خدمات مراقبت در منزل است.»

وی درباره تصویب منشور حقوق پرستاران در شورای عالی نظام پرستاری نیز گفت: «این سند در گذشته مغفول مانده‌بود. این منشور شامل ۱۷ حق اساسی پرستاران است و مشخص می‌کند پرستار در محیط کار خود از چه حقوقی برخوردار است.»

رئیس کل سازمان نظام پرستاری درباره اقدامات انجام‌شده برای بهبود وضعیت معیشتی پرستاران هم خبرهای مثبتی داشت و گفت: «منتظریم که موضوع فوق‌العاده خاص پرستاران و کارکنان نظام سلامت در شش‌ماهه دوم سال تعیین تکلیف شود.»

یادداشت

علی جوانبخت*

چرا امریکا پیش از جنایت درهای دادگاه را می‌بندد؟

در ادبیات سیاست بین‌الملل ضرب‌المثلی هست که می‌گوید: «قدرت، وقتی از پاسخگویی بترسد، اول شاهد را از دادگاه بیرون می‌کند.» آنچه امروز در واشینگتن می‌گذرد، دقیقاً نمونه‌ای بی‌بدیل و مستند از همین قاعده است.

۱. دو رکن پاسخگویی جهانی و یک اقدام هماهنگ: در منظومه حقوق بین‌الملل معاصر، تنها دو سازوکار جهان‌شمول برای پاسخگو کردن مرتکبان سنگین‌ترین جرائم وجود دارد: نخست دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) که بر پایه اساسنامه رم، مصوب ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸، برای رسیدگی به جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت، نسل‌زدایی و تجاوز تشکیل شده و اکنون ۱۲۵ کشور عضو دارد؛ و دوم شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد که در ۱۵ مارس ۲۰۰۶ با قطعنامه ۲۵۱/۶۰ مجمع عمومی تأسیس شد و ابزارهایی چون رویه ویژه، گزارشگران ویژه و هیئت‌های حقیقت‌یاب را در اختیار دارد.

هیچ نهاد دیگری در ساختار کنونی بین‌المللی وجود ندارد که بتواند یک دولت قدرتمند را در برابر اعمالش مسئول کند. شورای امنیت به دلیل حق وتو در دست پنج عضو دائم، عملاً نسبت به خود آنان فلج است. دیوان بین‌المللی دادگستری به اختلافات میان دولت‌ها می‌پردازد و شخصاً کسی را محاکمه نمی‌کند. پس آنچه می‌ماند فقط همین دو نهاد است.

۲. خروج امریکا از شورای حقوق بشر: یک روز پس از گزارش جنایت جنگی: امریکا در ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۶ رسماً پایان مشارکت خود در شورای حقوق بشر را اعلام کرد. آنچه این اقدام را از یک تصمیم اداری صرف خارج می‌کند، زمان‌بندی آن است: این خروج دقیقاً یک روز پس از انتشار گزارش هیئت مستقل بین‌المللی حقیقت‌یاب سازمان ملل درباره ایران صورت گرفت. این هیئت اعلام کرد «دلایل معقولی» وجود دارد که نیروهای امریکایی در دو حمله به ایران ـــ نخست حمله به مدرسه ابتدایی شجره طیبه در میناب و دوم حمله به یک مجموعه ورزشی در لامرد ـــ مرتکب جنایت جنگی از طریق حملات کورکورانه شده‌اند که در جریان آن دست‌کم ۱۷۸ غیرنظامی کشته شدند. بیانیه وزارت خارجه امریکا در توضیح این تصمیم، شورای حقوق بشر را نهادی «بی‌اعتبار» خواند که به «ادبیات ضدامریکایی و ضدیهودی» و «مماشات با حکومت‌های سرکوبگر» پرداخته است، اما این روایت با سابقه این نهاد در تعارض است. نکته مهم آن است که این نخستین خروج نیست: ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری خود در سال ۲۰۱۸ نیز امریکا را از همین شورا خارج کرد و دولت بعدی در ۲۰۲۱ آن را بازگرداند. در ۴ فوریه ۲۰۲۵ نیز فرمان اجرایی دیگری توقف مشارکت را اعلام کرد و سرانجام در سپتامبر ۲۰۲۶ این خروج جنبه رسمی یافت.

۳. تحریم دیوان کیفری بین‌المللی: از تحریم اشخاص تا انحلال نهاد: موازی با این اقدام، کارزار فشار بر دیوان کیفری بین‌المللی نیز تشدید شد. بر پایه فرمان اجرایی شماره ۱۴۲۰۳، امریکا در مجموع ۱۷ نفر از مقامات دیوان را تحریم کرده است؛ از جمله تومومکو آکانه، رئیس دیوان و شهروند ژاپن، و عبدالله سیه، دادستان ارشد و شهروند سنگال. سپس در ۹ اکتبر ۲۰۲۶ تحریم‌ها به سطح خود نهاد گسترش یافت: مسدودسازی دارایی‌های دیوان در قلمرو قضایی امریکا، ممنوعیت هرگونه معامله شرکت‌ها و اشخاص امریکایی با آن، و اعطای مهلتی شش‌ماهه به طرف‌های قرارداد برای قطع همکاری. مارکو روبیو، وزیر خارجه امریکا، این دیوان را «دادگاهی سرکش» و «به‌شدت سیاسی‌شده» خواند و تصریح کرد: «یا دیوان تهدیدهای خود را متوقف می‌کند، یا ما به فعالیت آن پایان می‌دهیم.» او کارزار واشینگتن را «فروپاشی گام‌به‌گام» و «آجر به آجر برچیدن» این نهاد توصیف کرد.

۴. چرا این اقدامات مقدمه‌چینی برای آینده است؟ پرسش حقوقی بنیادین این است؛ چرا یک دولت، پیش از وقوع هر اتهام رسمی، سازوکارهای پاسخگویی را از کار می‌اندازد؟ پاسخ در منطق حقوقی رفتار دولت‌ها نهفته است.

نخست آنکه دیوان کیفری بین‌المللی بر اساس اصل «صلاحیت تکمیلی» مندرج در ماده ۱۷ اساسنامه رم عمل می‌کند؛ یعنی وقتی دادگاه‌های داخلی نخواهند یا نتوانند رسیدگی کنند، دیوان وارد می‌شود. امریکا با رد صلاحیت دیوان بر اتباع خود، عملاً اعلام کرده که راه رسیدگی داخلی به اعمال نیروهایش را نیز نخواهد پذیرفت. این موضع، در ترکیب با تحریم قضات و دادستان‌ها، به معنای حذف دو مسیر موازی پاسخگویی است.

دوم آنکه تحریم نهادی، نه صرفاً واکنشی به یک پرونده، که اقدامی ساختاری است. وقتی دادگاه از دارایی، دسترسی مالی و همکاران تجاری محروم می‌شود، نه فقط پرونده‌های جاری کند می‌شود، بلکه ظرفیت پیگیری پرونده‌های آینده نیز از میان می‌رود. سوم و مهم‌تر از همه، ماده ۱۲ اساسنامه رم است که صلاحیت دیوان را بر اتباع دولت‌های غیرعضو نیز در قلمرو دولت‌های عضو می‌پذیرد. همین ماده بود که به دیوان اجازه داد در ۲۱ نوامبر ۲۰۲۴ قرار بازداشت بنیامین نتانیاهو و یوآو گالانت را به اتهام استفاده از گرسنگی به عنوان ابزار جنگی، قتل، آزار و سایر اعمال غیرانسانی علیه فلسطینیان در غزه صادر کند. امریکا و رژیم اسرائیل عضو دیوان نیستند، اما دیوان صلاحیت خود را بر مبنای قلمرو پذیرفته است. اینجاست که تحریم دیوان، از یک اختلاف حقوقی به ابزاری برای بی‌اثر کردن اصل پاسخگویی کیفری بین‌المللی تبدیل می‌شود.

چهارم، در خصوص شورای حقوق بشر باید توجه داشت که گزارش‌های هیئت‌های حقیقت‌یاب فی‌نفسه الزام‌آور نیستند و هیئت حقیقت‌یاب یک دادگاه نیست، اما این گزارش‌ها، همان گونه که خود سازمان ملل تصریح کرده، می‌توانند در آینده به‌عنوان بخشی از مستندات مربوط به مسئولیت حقوقی مورد استفاده قرار گیرند. خروج امریکا، دقیقاً در لحظه‌ای رخ داد که این مستندسازی شروع شده‌بود.

۵. انزوای روایت امریکایی: آنچه تصویر ماجرا را کامل می‌کند، مواضع متحدان نزدیک واشینگتن است. وزیران خارجه دانمارک، آلمان، فرانسه، ایتالیا، هلند، انگلیس، کانادا و ژاپن در بیانیه‌ای مشترک، مخالفت شدید خود را با تحریم‌های امریکا علیه دیوان اعلام کردند و بر حمایت از استقلال، بی‌طرفی و سلامت دیوان تأکید ورزیدند. استفان دوجاریک، سخنگوی دبیر کل سازمان ملل، تصمیم تحریم را «ضربه‌ای جدی به تلاش جمعی برای تحقق عدالت بین‌المللی کیفری» خواند. ناوی پیلای، حقوقدان آفریقای جنوبی و قاضی پیشین دیوان که در همان روزها به‌عنوان برنده جایزه صلح نوبل معرفی شده‌بود، تحریم قضات «صرفاً به دلیل تصمیم‌های قضایی‌شان» را «غیرقابل‌قبول و بی‌سابقه» توصیف کرد. سیاست غلط امریکا نمی‌تواند بگوید تنها حاکمیتش تهدید می‌شود. حتی نزدیک‌ترین متحدانش هم چنین چیزی را نمی‌پذیرند.

۶. بستن در، پیش از ورود متهم: تصویر کامل این است: کشوری که پیش‌تر خود را از دامنه صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی بیرون نگه داشته بود، حالا قضات و رئیس و دادستان آن را تحریم می‌کند، نهادش را در آستانه فروپاشی مالی قرار می‌دهد، و همزمان از شورای حقوق بشر خارج می‌شود ـــ آن هم یک روز پس از انتشار مستندات جنایت جنگی در میناب و لامرد. این توالی تصادفی نیست. منطق حاکم بر آن، همان منطقی است که هر وکیل دفاعی کارکشته در همان نخستین دقایق مواجهه با پرونده به کار می‌گیرد: تا ممکن است، دادرس و دادگاه را از پرونده خارج کن، و اگر نشد، خودِ دفتر و مهر و پرونده را بردار. با این تفاوت که این بار، بازیگر توانمندی وارد میدان شده که توانایی مالی براندازی عدالت جهانی را نیز در اختیار دارد. اقداماتی مانند فرمان اجرایی ۱۴۲۰۳ به ما یادآوری می‌کند که پاسخگویی بین‌المللی بدون پشتوانه مالی، تنها یک قول شفاهی و ادعای توخالی است. مسئله این نیست که امریکا چند پرونده باز در دیوان کیفری بین‌المللی دارد. مسئله این است که امریکا و هم‌پیمانش در سرزمین‌های دیگر، از میناب و لامرد تا غزه، در حال چیدن دو قفسه بالای سر جهان هستند: یکی گفتن این جمله که «دادگاه من با انجام این کار خودش از موضوعیت خارج شده»، و دیگری با تهران، یک سر قفسه حقوقی و یک قفسه‌ی بانک، و در نهایت آن که از پاسخگویی فرار کند.

این دقیقاً همان «آینده‌ای» است که می‌بایست از پیش تعیین‌شده تلقی شود ـــ آینده‌ای که در آن، قدرت‌های بزرگ در قبال هر اقدامی، در هر مکانی، در هر زمانی، مصونیت مورد نظر خود را تدارک می‌بینند. برای حقوق بین‌الملل ایران، برای دیپلماسی حقوقی کشور، و برای هر وکیل و حقوقدانی که به عدالت بین‌المللی باور دارد، وظیفه امروز، صحبت و مستندسازی و هشدار به‌هنگام است.